

با اعلام نظر شورای نگهبان و رد صلاحیت دوباره لاریجانی، وضعیت جلیلی و قالیباف چگونه می شود؟ سبد رای زاکانی با کدام نفر اشتراک بیشتری دارد؟ پزشکيان توان به میدان آوردن بدنه رای اصلاح طلبان را دارد؟

نتیجه قابل پیش بینی

یا شوک انتخاباتی؟

محمد زعم زاده
سردبیر

اگر سرچ گوگل ایرانی ها از حوالی ظهر دیروز آتالیز شود، احتمالاً به نتایج مهمی می رسیم. جامعه از فهرست ۶ نفره ای که قرار است یکی از آنها نام یاشاند هم تیزر کلید باستور از محمد مخبر بگیرد چه حسی گرفته است؟ خوشحال شده است؟ بی تفاوت بوده است؟ شوکه شده است یا در میان بیم و امید غوطه ور شده است؟

برداشت اولیه از فهرست نهایی نامزد های انتخابات ۱۴۰۲ شباهت هایی با لیست ۱۴۰۰ دارد اما تفاوت های مهمی هم دارد. به نظر می رسد با توجه به فضای روبه جلوی جامعه حداقل یک دو قطبی محدود در حال شکل گیری است. آغاز انتخابات ۱۴۰۳ شبیه ۱۴۰۰ نیست، چون تفاوت مهمی وجود دارد: نبود کارگزاری مثل سپید ابراهیم رئیس که ظرفیت ایجاد اجماع قطعی حداقل در یک بلوک را ایجاد کند و از سوی دیگر در قطب مقابل اصولگرایان گزینه هایی هستند که دیگر نمی شود به شکل رنگ تفریح به آنها نگاه کرد. اما این دو انتخابات شباهت های مهم هم دارند. فهرست زد و تائید صلاحیت شده ها مانند قبل. شبهانی را ایجاد کرده که خوب است شورای نگهبان جدی و صریح و نه با آن ادبیات کلیشه ای مرسوم درباره آنها توضیح بدهد. شاید این توضیح روی انتخابات اثری نداشته باشد، اما روی تصویر نه نشین شده از شوراموثر خواهد بود و در آینده به نفع خود شورا شود. مصداق آنچه باید در ۱۴۰۰ جبران می شد چه بود و آن امر چه نسبتی با فهرست جدید دارد؟ گزینه ای که سه سال قبل تائید شده و در این مدت کار خاصی نکرده، چرا حالا در لیست نیست؟ گزینه ای که سه سال قبل تائید می شد و در این چند سال عملکرد اعتراض آمیزی داشته، چطور دوباره تائید شده است؟ نگاه زده تعلق خاطری به مصداق این پرسش ها ندارد و بعید است هیچ گاه نام آنها را روی برگه رای بنویسد، اما بالاخره نمی توان از پرسش هایی که در جامعه ممکن است طرح شود، راحت گذشت.

از یابی اولیه از فهرست نامزدها چند نکته مهم را تادعی می کند: نخست آنکه با عدم حضور لاریجانی از قطبیت انتخابات و دوگانه ای که او قصد داشت با جلیلی در موضوعات مختلف بسازد، کاسته می شود و صفت کثی در موضوع سیاست خارجی همچنان از موضوعات انتخاباتی خواهد بود، اما نه به پرزگی زمان حضور لاریجانی در صحنه. دوم اینکه هندسه فهرست تائید شده گمانه ها مبنی بر دور دومی شدن انتخابات را تقویت می کند. احتمالاً انتشار اولین نظرسنجی بعد از تائید صلاحیت ها این گمانه را تائید و پرزنگ خواهد کرد. اگر این گزاره به یک ایده تثبیت شده در کمپین های تبلیغاتی این ۶ نفر تبدیل شود، استراتژی های انتخاباتی آنها تغییر خواهد کرد. در انتخاباتی با مشارکت بیش از ۵۰ تا ۵۵ درصد احتمالاً برای پیروزی نیاز به ۲۰ میلیون رای و برای به دور دوم رفتن به حدود هفت تا ۹ میلیون رای نیاز خواهد بود. در چنین شرایطی برای رفتن به دور دوم تثبیت بدنه رای وفادار و جلوگیری از ریزش بدنه رای مشترک بیشتر از جذب آرای سرگردان موضوعیت خواهد داشت.

سوم اینکه با انتخابات هموار و قابل پیش بینی ای طرف نیستیم، ممکن است سازه انتخابات پیش رو سه طبقه داشته باشد و این طبقه بندی لزوماً به معنای هم پوشانی مواضع سیاسی نیست؛ طبقه اول جلیلی و قالیباف هستند که شناخته شده ترین کاندیداهای موجودند. آنها انتخابات را به دلیل داشتن یک رای حداقلی چند گام جلوتر از بقیه شروع خواهند کرد. البته این دو نفر احتمالاً رای منفی بیشتری هم از چهار کاندیدای دیگر دارند که در یک انتخابات حداکثری و قطبی شده می تواند خطرناک باشد. در خصوص فرصت ها و محدودیت های این دو نفر قبل تر به تفصیل نوشته ام.

طبقه دوم قاضی زاده و زاکانی هستند که تصویر نسبتاً نزدیکی از آنها وجود دارد و در انتخابات سه سال قبل هم حاضر بوده اند. قاضی زاده از میان پنج نامزد ثبت نام کننده - که سابقه حضور در دولت سیزدهم را داشته اند - تنها فرد تائید صلاحیت شده است. هر چند بدنه دولت آیت الله رئیسی در نامه ای مشهور به شورای نگهبان محمد مهدی اسماعیلی را به او و سه گزینه دیگر ترجیح داده بود، بدنه اصلی رای او میان جلیلی و زاکانی اشتراکی خواهد بود.

در خصوص علیرضا زاکانی دو نکته مهم تحلیلی وجود دارد: او در انتخابات قبل در موقعیت سلبی و نقد وضع موجود زمینه هایی از خود نشان داد. حال در شرایطی ایجابی موقعیتی متفاوت خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به نوع سیاست ورزی زاکانی که قطبیت حداکثری با پورمحمدی و پزشکيان ایجاد خواهد کرد، او دارای یک بدنه رای مشترک با جلیلی خواهد شد. ماندن یا نماندن زاکانی تا پایان انتخابات می تواند روی گزینه ای که به دور دوم احتمالی می رود، تاثیر بگذارد.

طبقه سوم پزشکيان و پورمحمدی هستند. طراحی پورمحمدی احتمالاً تبدیل شدن به روحانی انتخابات ۹۲ است، اما او اینجا چند محدودیت مهم دارد و اولین این است که برخلاف روحانی موضوعیتی در سیاست خارجی ندارد. دومی هم اینکه زمینه های سیاسی ای که با حمایت از روحانی او را از ۳ درصد به ۵۰ درصد رساندند عملاً لای وجود ندارد. فن بیان خوب مزیت نسبی مهم پورمحمدی است که می تواند در فضای گفت و گو های تلویزیونی برای او فرصت ایجاد کند.

پزشکيان به عنوان یکی از گزینه های رسمی و حزبی اصلاح طلبی فرصت هایی دارد. او می خواهد در فضای انتخابات چیزی بیشتر از همتی ۱۴۰۰ باشد. مزیت مهم پزشکيان در حال حاضر فرصت های قومیتی پیش روی اوست. پزشکيان به دلیل ناشناختگی نسبی در سطح ملی هر چند فرصت های رایز دست داده، اما رای منفی زیادی هم ندارد. اینکه بدنه اصلاح طلب به وعده حزبی شان عمل کنند یا نه، به توانایی های سیاست ورزانه پزشکيان برمی گردد. در آغاز انتخابات به نظر می رسد او فعال گزینه جذابی برای بدنه اجتماعی تحریمی اصلاح طلبان نباشد و تم تبلیغاتی اش کار دشواری برای بر ساخت جدید از پزشکيان دارد.



در سازوکار انتخاباتی آمریکا نظرسنجی ها چگونه در شکل دهی به فضای جامعه نقش مهمی ایفا می کنند

رقابت نظرسنجی ها

۵ مناظره در ۲ هفته باقیمانده تا انتخابات اهمیت مناظره ها را کم می کند

چه خبر تونه؟!